

سهام عدالت در سایه بی‌قانونی و لابی دولتی‌ها

آقای مدنی‌زاده؛ شما چرا!

حواشی و تخلفات عجیب پیرامون سهام عدالت، بار دیگر این دارایی ملی و متعلق به میلیون‌ها ایرانی را به کانون توجه‌نهادهای نظارتی و افکار عمومی بازگردانده است. موضوعی که دیگر نمی‌توان آن را صرفاً یک اختلاف اداری یا تفسیر متفاوت از قانون دانست؛ بلکه نشانه‌هایی نگران‌کننده از نادیده‌گرفتن صریح قوانین، آیین‌نامه‌ها و حتی حقوق مالکانه سهامداران عدالت را آشکار می‌کند.

بر اساس «دستورالعمل تأیید صلاحیت حرفه‌ای مدیران نهادهای مالی» که در اجرای بند «ه» ماده ۹۹ قانون بر نامه پنجم توسعه و ماده ۲۹ قانون بازار اوراق بهادار تدوین و به تصویب شورای عالی بورس رسیده، داشتن حداقل مدرک تحصیلی کارشناسی م ربط، شرط بدیهی و غیر قابل خدشه برای عضویت در هیئت‌مدیره یا مدیریت عامل نهادهای مالی است. در این دستورالعمل به‌صراحت آمده که مدارکی پایین‌تر از کارشناسی، از جمله دیپلم و فوق‌دیپلم، هیچ‌ارزش امتیازی و فرآیند احراز صلاحیت ندارند؛ قاعده‌ای که فلسفه آن، صیانت از منافع سرمایه‌گذاران و جلوگیری از تصمیمات غیر حرفه‌ای در نهادهای مالی است.

با این حال، اسناد، نشاسی می‌دهد اسماعیل چمنی، صرفاً با مدرک تحصیلی دیپلم، به عنوان رئیس هیئت‌مدیره کانون شرکت‌های سرمایه‌گذاری سهام عدالت فعالیت می‌کند. مسئله‌ای که بلافاصله این پرسش اساسی را مطرح می‌کند: چگونه و با چه ساز و کار قانونی،

نایب رئیس کمیسیون گمرک اتاق بازرگانی پاسخ داد؛

بازنگشتن ارز صادراتی؛ تقصیر صادرکننده است یا سیاست ارزی!



گروه اقتصادی -نایب‌رئیس کمیسیون گمرک اتاق بازرگانی ایران، با انتقاد از سیاست‌های ارزی دولت در خصوص تعلیق کارت‌های بازرگانی، تأکید کرد که ریشه اصلی بازنگشتن ارز صادراتی، تصمیمات غیر کارشناسی و سیاست‌های ارزی است و نه صرفاً سوءاستفاده‌ها در کنگدگان.

معاون ارزی بانک مرکزی اخیر اعلام کرده «حدود ۹۰۰ کارت بازرگانی اجارهای» ثبت شده است که بیش از ۱۵ میلیارد دلار ارز را به چرخه رسمی برنگردانده‌اند. این رقم معادل میزان ارزی است که در پودجه سال جاری برای اکالاهای اساسی در نظر گرفته شده بود.

به گفته معاون ارزی بانک مرکزی ۱۵ نفر از این افراد به‌تنهایی حدود ۶ میلیارد دلار تعهد ارزی دارند که آدرس بسیاری از آنها در روستاهای دورافتاده و شهرهای مرزی ثبت شده است. البته این اولین بار نیست که کارت‌های بازرگانی اجارهای خیرساز می‌شود. پیش‌تر هم در سال ۱۳۹۹ ماجرای وارد کردن ۲۰۰ پورشه توسط پریزن روستایی خیرساز شده بود. موضوع عدم بازگشت ارزهای صادراتی نیز بارها خیرساز شده‌است. آبان‌ماه‌امسال مصصامی، نماینده مجلس، در صحن علنی گفته بود که از سال ۱۳۹۷ تا چهارماهه نخست امسال، بیش از ۹۵ میلیارد دلار از حاصل از صادرات به کشور بازگشته و این ارزها با تبدیل به قاچاق شده یا از کشور خارج شده‌است و از این محل، بیش از ۲۰۰۰ میلیارد تومان از جیب مردم برداشته شده یعنی به‌عبارتی به سرعت رفته‌است.

اوا پس از اظهارات این نماینده در مجلس، روابط عمومی بانک مرکزی در واکنش به آمار اعلام شده اعلام کرد که آمار و خبر اعلام شده درست و دقیق نیست و موضوع عدم بازگشت ارز و رفع تعهدات، همواره توسط کارگروه بازگشت ارز صادرات، پیگیری و بر اساس قانون به مراجع ذی‌صلاح اعلام می‌شود.

در چنین شرایطی عده‌ای انگشت اتهام را به سمت بانک مرکزی می‌گیرند و معتقدند سیاست‌های ارزی ریشه اصلی همه این مشکلات است. در طرف دیگر ماجرا برخی معتقدند این شرکت‌های دولتی و خصوصی هستند که ارز ناشی از صادرات را به چرخه اقتصاد کشور باز نمی‌گردانند. با این حال در نهایت تصمیمات دولت برای اصلاح این شرایط معمولاً گریبان‌صادرکنندگان خورد می‌گیرد. عده‌ای هم سوء استفاده صادرکنندگان را عامل اصلی هدررفت منابع ارزی می‌دانند. برای بررسی دقیق‌تر عوامل تأثیرگذار بر عدم بازگشت ارزهای صادراتی، با نایب پورچم – نایب رئیس کمیسیون گمرک اتاق بازرگانی ایران – گفت‌وگو کردیم.

در این رابطه نایب پورچم اظهار کرد: دولت طی سالهای اخیر تحت فشار تنگناهای ارزی، مقررات شتاب‌زده و غیر نری وضع کرده و بدون انظر نخذ بخش خصوصی انتظار دارد با سخت‌گیری‌های جدید مشکل بازگشت ارز را حل کند؛ در حالی که چنین سیاست‌هایی تنها به گسترش بحران منجر شده است.

وی با اشاره به اینکه کارت‌های بازرگانی از سال‌ها پیش توسط فعالانی استفاده می‌شد که سابقه تجاری

اقتصادی

■ گروه اقتصادی – سهام عدالت،

دارایی میلیون‌ها ایرانی، این بار نه به‌دلیل نوسانات بازار، بلکه به‌خاطر تخلفات آشکار در احراز صلاحیت مدیران و تداوم دخالت‌های دولتی در کانون حاشیه‌ها قرار گرفته است؛ تخلفاتی که حالا این سوال جدی را پیش می‌کشد: قانون در مدیریت سهام عدالت، دقیقاً کجا ایستاده است؟

شرکت‌های سرمایه‌پذیر هشدار داده و تأکید کرده است که چنین رویکردی پیش‌تر نیز با واکنش صریح رؤسای کمیسیون‌های تخصصی مجلس مواجه شده‌است.

به گفته موسویان، حتی در جلسه رسمی کمیسیون اقتصادی مجلس، وزیر اقتصاد صراحتاً اعلام کرده که کانون سهام عدالت مسئول تمثیت امور شرکت‌های سرمایه‌پذیر است و کمیته مورد نظر صرفاً نقش نظارتی دارد. اما مصوبه و شیوه‌نامه‌ای که بعداً به کانون ابلاغ شده، عملاً به سلب اختیارات قانونی شرکت‌های سرمایه‌گذاری استثنائی انجامیده و در تعارض آشکار با همان اظهارات وزیر در مجلس قرار دارد. این دوگانگی، نه‌تنها موجب سردرگمی در اداره امور شده، بلکه عملاً امکان تشکیل منظم جلسات هیئت‌مدیره کانون را نیز مختل کرده‌است.

در بخش دیگری از نامه تأکید شده که تشکیل «کمیته عالی نظارت بر سهام عدالت» با ترکیب اکثر آدولتی، فراتر از اختیارات شورای عالی بورس است و مصداق استمرار دخالت دولت در اموالی است

درآمدهای مالیاتی؛ رشد اسمی بدون افزایش سهم در اقتصاد!

گروه اقتصادی – با وجود گسترش پایه‌های مالیاتی، سهم مالیات از تولید ناخالص داخلی در ایران تقریباً بدون تغییر باقی مانده است.

بازوی پژوهشی مجلس به تساؤگی در گزارش‌ی به بررسی روند درآمدهای مالیاتی ایران در حدود دو دهه گذشته می‌پردازد و مساله اصلی آن این است که چرا با وجود گسترش پایه‌های مالیاتی، اصلاحات قانونی، توسعه سامانه‌های اطلاعاتی و به‌ویژه استقرار و تعمیق مالیات ارزش افزوده، نسبت درآمدهای مالیاتی به تولید ناخالص داخلی در کشور تقریباً ثابت مانده و حتی در مقاطعی کاهش یافته‌است.

در حالی که انتظار می‌رفت با کاهش وابستگی به نفت و افزایش سهم مالیات در تأمین بودجه دولت، سهم مالیات از تولید ناخالص داخلی نیز به شکل معناداری افزایش یابد، این هدف در عمل محقق نشده و نسبت مالیات به تولید ناخالص داخلی طی سالهای طولانی حول ۵ تا ۶ درصد نوسان کرده است. بررسی‌ها نشان می‌دهد که افزایش‌های اسمی درآمدها لزوماً به معنای افزایش واقعی ظرفیت مالیات‌ستانی نیست.

ثبات نسبت مالیات به تولید ناخالص داخلی طی دو دهه

کارشناسان معتقدند شاخص «نسبت مالیات به تولید

بازار خودروی ایران در مسیر معکوس جهانی؛

پیش فروش خودرو روی مغزو اعصاب مشتری!

گروه اقتصادی – در شرایط تورمی اقتصاد ایران، انتظار می‌رود فروشندگان برای جذب مشتری رقابت کنند اما بازار خودرو مسیر معکوس را طی می‌کند.

مشتری با پول آماده، نهنه‌ها در اولویت نیست، بلکه باید در صف‌های طولانی فروش بایستند.

بازار خودرو در ایران، سال‌هاست از مسیر طبیعی خود خارج شده و قرعه‌کشی، صف‌های طولانی و فاصله عمیق قیمت کارخانه و بازار، نه‌تنها مصرف‌کننده را سردرگم کرده بلکه عدالت در دسترسی به کالا را نیز زیر سؤال برده‌است. در بسیاری از کشورهای جهان، خرید خودرو یک فرآیند ساده و شفاف است؛ مشتری وارد نمایشگاه می‌شود، مدل مورد نظرش را انتخاب می‌کند، پول را می‌پردازد و خودرو را تحویل می‌گیرد اما در ایران ماجرا به شکل عجیبی متفاوت است.

پول را می‌پردازد و خودرو را تحویل می‌گیرد اما در ایران ماجرا به شکل عجیبی متفاوت است. حتی اگر خریدار بتواند تمام بهای خودرو را نقدی و یکجا پرداخت کند، باز هم تضمینی برای تحویل فوری وجود ندارد. اینجا خودرو نه با پول، که با شانس، نوبت، قرعه‌کشی و صبر فرساینده به دست می‌آید.

چه ساز و کاری باعث شده خرید یک کالای صنعتی عادی به یکی از سخت‌ترین معاملات روزمره مردم تبدیل شود؟

وقتی پول نقد هم کارساز نیست

در شرایط تورمی اقتصاد ایران، انتظار می‌رود فروشندگان برای جذب مشتری رقابت کنند. اما بازار خودرو مسیر معکوس را طی می‌کند. مشتری با پول آماده، نهنه‌ها در اولویت نیست، بلکه باید در صف‌های طولانی فروش بایستند، در سامانه ثبت‌نام کند و در نهایت، سرنوشت



مهم‌تر از همه، وزیر اقتصاد چگونه این تناقض میان اظهارات خود در مجلس و اقدامات اجرایی وزارتخانه‌اش را توضیح می‌دهد؟ آیا وقت آن نرسیده‌است که به‌جای تداوم حضور و چیشش نمایندگان دولتی در شرکت‌هایی که متعلق به مردم هستند، قانون و حقوق سهامداران عدالت محور تصمیم‌گیری قرار گیرد؟ پاسخ به این پرسش‌ها، از مونی جدی برای نهادهای نظارتی و شخص وزیر اقتصاد است؛ آزمونی که نتیجه آن می‌تواند مسیر آینده سهام عدالت را روشن‌تر یا مبهم‌تر از گذشته کند.

که سال‌ها پیش به مردم واگذار شده‌اند؛ اقدامی که می‌تواند نقض حقوق مالکانه سهامداران عدالت و تضعیف اصل تسلط بر مالکیت مشروع تلقی شود. بر اساس این گزارش، مجموع ششواهد، چند سؤال جدی و اجتناب‌ناپذیر رایش روی نهادهای مسئول قرار می‌دهد؛ چرا سازامان بورس باید در تأیید صلاحیت حرفه‌ای مدیران، برخلاف نص صریح آیین‌نامه‌عمل کند؟ چه نهادهای پاسخگوی تبعات احتمالی چنین تصمیماتی برای منافع میلیون‌ها سهامدار عدالت خواهد بود و؟



بخش مهمی از رشد ظاهری مالیات‌ها در آن سال‌ها نه ناشی از گسترش واقعی پایه مالیاتی، بلکه حاصل یک تغییر حسابداری بوده‌است.

قیمت‌گذاری دستوری؛ عامل فرسایش پایه‌های مالیاتی

یکی از محورهای مهم تحلیل گزارش، مساله قیمت‌گذاری دستوری است. وقتی قیمت یک کالا به‌صورت دستوری پایین نگه داشته می‌شود، ارزش واقعی معاملات کاهش می‌یابد و در نتیجه، مالیات‌های مبتنی بر قیمت بازارش، مانند مالیات ارزش افزوده یا مالیات بر فروش فرآورده‌های نفتی، تضعیف می‌شوند. این سیاست‌ها در طول زمان باعث فرسایش پایه‌های مالیاتی و کاهش قدرت مالیات‌ستانی دولت شده‌اند.



انگیزه سوداگری را تقویت کرده‌است. در چنین شرایطی، حتی کسانی که نیازی به خودرو ندارند، برای ثبت‌نام اقدام می‌کنند؛ چرا که برنده شدن، به‌معنای سود قطعی است. این شکاف قیمتی، عملاً بازار را از تعادل خارج کرده و مصرف‌کننده واقعی را به حاشیه رانده‌است.

انحصار؛ بازاری بدون انتخاب

در بازارهای جهانی، رقابت میان برندها، کیفیت و قیمت را تنظیم می‌کند اما بازار خودروی ایران، سال‌هاست با انحصار ساختاری دست‌وپنجه نرم می‌کند. وقتی گزینه‌های خرید محدود است و واردات هم با موانع جدی مواجه می‌شود، مشتری حق انتخاب واقعی ندارد. در چنین بازاری، فروشنده نگران از دست دادن مشتری نیست چون می‌داند صف همیشه وجود دارد.

چرا در دنیا فروشنده دنبال مشتری می‌گردد؟ پاسخ روشن است: در بازارهای رقابتی، عرضه و تقاضا تعیین‌کننده قیمت‌اند، نه دستور.

دولت نقش ناظر دارد، نه قیمت‌گذار و فروشنده همزمان؛ و اگر فروشنده کیفیت یا قیمت مناسبی ارائه نکند، مشتری به‌سادگی به گزینه دیگر روی می‌آورد اما در ایران، نبود

درب اتوماتیک

۰۹۱۷۱۶۳۱۰۰۸ - ۰۹۱۷۹۴۲۴۰۲۲

کلیه سفارشات

MDF، چوبی

دکورا سیون غرفه و منزل

درب های اتوماتیک Automatic Doors

حلاج کیش

صنایع چوب

تلفن: ۷۷۹۸۲۵۲